

تحلیل محتوای ادعیه رضویه

محمد جانی‌پور^۱

عباس تقویان^۲

چکیده

مطالعه روشمند و تحلیلی گزاره‌های بیان شده در ادعیه رضویه به منظور تبیین نقش و جایگاه آنها در هدایت افراد و جامعه اسلامی به سمت کمال و سعادت با استفاده از روش تحلیل محتوا و ارائه نظام حاکم بر این ادعیه، هدف اصلی از نگارش این مقاله است. این پژوهش به دنبال آن است تا با استخراج قالب‌های بیانی و جهت‌گیری‌های هر کدام از ادعیه رضویه و تجزیه و تحلیل نقاط تمرکز حاصل از آنها و سپس طبقه‌بندی موضوعی این مضامین، در نهایت نظام حاکم بر این ادعیه را کشف کرده و مدل کلی که امام رضا(ع) در ادعیه خود برای هدایت افراد و جامعه اسلامی تبیین نموده اند را بیان کند.

نتایج حاصل از این پژوهش بیانگر آن است که رویکرد غالب بر این ادعیه، آموزشی بوده که با استفاده از قالب‌های بیانی تجلیل و توصیف ره‌گیری شده است. تجلیل از پیامبر اکرم(ص)، ائمه اطهار(ع)، دین اسلام و قرآن مجید به عنوان انسان‌ها و الگوهای شایسته و توصیف خداوند متعال و دین مبین اسلام جهت آشنا کردن جامعه با معارف اسلامی همه با رویکردی آموزشی در این ادعیه بیان شده است. در این ادعیه از ۱۲ قالب بیانی جهت انتقال آموزه‌های معرفتی استفاده شده است که هر کدام به مباحث مختلفی پرداخته‌اند که در مقاله بدان‌ها اشاره شده است.

آنچه ضرورت چنین پژوهش‌هایی را روشن می‌سازد، توجه به نقش مبنايي و محوري يافته‌های این تحقیق جهت ورود به مباحث تفسیری و تحلیل گفتمان تاریخی و اجتماعی عصر ائمه اطهار(ع) است.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه امام صادق(ع) ۰۹۱۹۵۵۶۱۳۶۵@janipoor@isu.ac.ir

۲. استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه امام صادق(ع) Taghavian@isu.ac.ir

واژه‌های کلیدی

امام رضا(ع)، ادعیه رضویه، دعا، تحلیل محتوا.

مقدمه

ابوالحسن علی بن موسی(ع) ملقب به «رضا»، امام هشتم از ائمه اثیری عشر(ع) امامیه و دهمین معصوم از چهارده معصوم(ع) است. سال تولد آن حضرت را ۱۴۸ و ۱۵۳ ه.ق و ماه تولد ایشان را ذوالحجه و ذوالقعدة و ربیع‌الاول گفته‌اند و مشهور آن است که روز تولد آن حضرت یازدهم ذوالقعدة بوده است.

کریه آن حضرت «ابوالحسن» می‌باشد و چون امام موسی کاظم(ع) نیز مُکَرِّی به «ابو الحسن» بوده‌اند، حضرت رضا(ع) را «ابوالحسن ثانی» گفته‌اند. مشهورترین لقب ایشان «رضا» بوده است و بنا بر روایتی علت این لقب نیز آن است که: «رَضِیَ بِهِ الْمُخَالِفُونَ مِنْ أَعْدَائِهِ كَمَا رَضِیَ بِهِ الْمُؤَافِقُونَ مِنْ أَوْلِيَائِهِ وَلَمْ يَكُنْ ذَلِكَ لِأَحَدٍ مِنْ آبَائِهِ عَلَیْهِمُ السَّلَامُ فَلِذَلِكَ سَمِیَ مِنْ بَيْنِهِمْ بِالرِّضَا...» (صدوق، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۳) یعنی هم دشمنان مخالف و هم دوستان موافق به (ولایت عهد او) رضا یت دادند و چنین چیزی برای هیچ یک از پدران او دست نداده بود، از این رو در میان ایشان تنها او به «رضا» نامیده شد.

البته روایات دیگری نیز در کتب متعدد نقل است که مأمون آن حضرت را «الرضی من آل محمد» نامیده است. (طبری، ۱۳۷۸، ج ۱۰، ص ۲۵۱؛ صدوق، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۴۷)

در کتاب عیون اخبار الرضا روایتی به نقل از عبدالعظیم حسنی آمده است که نشان می‌دهد این نام گذاری توسط پدر بزرگوار ایشان یعنی امام موسی کاظم (ع) صورت گرفته است: «كَانَ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ (ع) يَسْمِي وَلَدَهُ عَلِيًّا (ع) الرِّضَا وَكَانَ يَقُولُ ادْعُوا لِي وَلَدِي الرِّضَا...» (مجلسی، ۱۴۱۲ ق، ج ۴۹، ص ۵)

در کتاب علل الشرایع شیخ صدوق نیز آمده است که احمد بن ابی نصر بزنطی از امام جواد(ع) در این رابطه سؤال کرد که عده‌ای گمان می‌کنند مأمون به دلیل رضایت

پدر بزرگوارتان بر ولایت عهدی، ایشان را ملقب به رضا کرده اند. امام جواد (ع) در پاسخ فرمودند: «كَذَّبُوا وَاللَّهِ وَفَجَرُوا، بَلِ اللَّهُ تَعَالَى سَمَاءُ الرِّضَا لِأَنَّهُ كَانَ (ع) رِضَى اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ فِي سَمَائِهِ وَرِضَى لِرَسُولِهِ وَالْأَئِمَّةَ بَعْدِهِ فِي أَرْضِهِ ... وَلِأَنَّهُ رِضَى بِهِ الْمُخَالِفُونَ مِنْ أَعْدَائِهِ كَمَا رِضَى الْمُوَافِقُونَ مِنْ أَوْلِيَائِهِ وَلَمْ يَكُنْ ذَلِكَ لِأَحَدٍ مِنْ آبَائِهِ (ع) فَلِذَلِكَ سُمِّيَ مِنْ بَيْنِهِم الرِّضَا» (صدوق، ۱۴۱۳ ق، ج ۱، ص ۲۳۷؛ صدوق، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۴)

مادر آن حضرت «ام ولد» بود، یعنی از جمله کنیزانی که از مولای خود فرزند آورده بودند. در رابطه با نام و زادگاه مادر آن حضرت نیز اختلاف نظر است و احتمال بیشتر آن است که از مردم شمال آفریقا یا مغرب مراکش بوده است. نام اصلی مادر آن حضرت را «الْخِزْرَانِ الْمَرْسِيَّة»، «شَقْرَاءَ النُّوْبِيَّةِ»، «سُكَيْنَةُ النُّوْبِيَّةِ» و «أُمُّ الْبَنِينَ» دانسته‌اند. (مجلسی، ۱۴۱۲ ق، ج ۴۹، ص ۳)

برخی دیگر از روایات بیان کننده این است که نام ایشان پیش از این «نجمه» یا «أَرْوَى» یا «سَكْنُ» یا «سِمَانُ» و یا «تُكْتَمُ» بوده و پس از تولد حضرت رضا (ع) توسط امام کاظم (ع) به «طاهره» تغییر یافته است. (مجلسی، ۱۴۱۲ ق، ج ۴۹، ص ۱۱؛ طبرسی، ۱۳۵۸، ص ۳۱۳)

شخصیت ملکوتی و مقام شامخ علمی و زهد و اخلاق حضرت رضا (ع) و اعتقاد شیعیان به ایشان سبب شده بود که نه تنها در مدینه بلکه در سراسر دنیای اسلام، علی بن موسی بن جعفر (ع) به عنوان بزرگ ترین و محبوب ترین فرد خاندان رسول اکرم (ص) مورد قبول عامه باشد و مسلمانان او را بزرگ ترین پیشوای دین بشناسند و نامش را با صلوات و تقدیس ببرند. آن حضرت در حالی که بیست سال بیشتر نداشت، در مسجد رسول الله (ص) مدینه بر منبر می نشست و برای مردم فتوی می داد.

در رابطه با خصوصیات و ویژگی های اخلاقی آن حضرت نقل است که : علمش

بی کران و رفتارش بپلمبر گونه و حلم و رأفت و احسانش شامل خاص و عام می گردید. کسری را با عمل و سخن خود نمی آزد. سخن کسری را قطع نمی کرد. هیچ حاجتمندی را مأیوس باز نمی گرداند. در حضور مهمان به پیشانی تکیه نمی داد و پای

خود را دراز نمی‌کرد. هرگز به غلامان و خدمه دشنام نداد و با آنان می‌نشست و غذا می‌خورد. شب‌ها کم می‌خوابید و قرآن بسیار می‌خواند. شب‌های تاریک در مدینه می‌گشت و مستمندان را کمک می‌کرد. در تابستان بر حصیر و در زمستان بر پلاس زندگی می‌کرد. نظافت را در هر حال رعایت می‌فرمود و عطر و بخور بسیار به کار می‌برد. عادتاً جامه ارزان و خشن می‌پوشید ولی در مجالس و برای ملاقات‌ها و پذیرایی‌ها لباس فاخر در بر می‌کرد. غذا را اندک می‌خورد و سفره‌اش رنگین نبود و در هر فرصت مناسب تلاش می‌کرد تا مردم مسلمان را به وظایف خود آگاه سازد. (اربل‌ی، ۱۳۸۱ق، ج ۲، ص ۲۵۹)

در نهایت باید گفت که ویژگی‌ها و صفات ایشان، همانند پدران بزرگوارشان که قلّه‌های شرف و فضیلت را پیموده‌اند، بر بلندای کمال و عظمت می‌درخشد. ایشان به اعتراف همه منابع تاریخی و مورخان و هم عصرانش، در کثرت دانش و معارف عقلی و نقلی، یگانه عصر بود^۱

از آن امام همان احادیث و روایات متعددی نقل شده است. بخشی از این آثار بر جای مانده از ایشان، ادعیه‌ای می‌باشد که به جهت رفع حوائج مردم و دفع بلاهای ارضی و سمائی به جامعه اسلامی آموزش داده‌اند که اکنون در کتابی با عنوان «الصحیفه الرضویه الجامعه» توسط سید محمدباقر ابطحی اصفهانی جمع‌آوری شده است^۲

این مقاله قصد دارد تا با بررسی مضامین این ادعیه گهربار - که زین پس در این مقاله اختصاراً «ادعیه رضویه» نامیده می‌شود - به روش تحلیل محتوا، ابتدا یک جمع‌بندی کلی از فضای حاکم بر این ادعیه ارائه کرده و سپس به تجزیه و تحلیل گزاره‌های موجود در این ادعیه بپردازد.

۱. ضرورت تحقیق

در رابطه با ضرورت این تحقیق نیز باید گفت که مهم ترین ضرورت چنین تحقیقاتی، تبیین دقیقتر نقش و جایگاه «امام» در جامعه اسلامی است. مسئله امامت،

۱. نک: مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۱۳؛ طبرسی، ۱۳۹۰ق، ص ۳۷۲؛ راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۴۲۰.

۲. رک: ابطحی اصفهانی، ۱۳۷۸، صص ۱۵۰-۲۱۱.

ولایت و رهبری جامعه اسلامی از جمله مسائل مهم و اساسی دین مبین اسلام است به گونه‌ای که در روایات متعدد به عنوان یکی از امور زیر بنایی و اساسی دین اسلام، معرفی شده است. در کتاب «وسائل الشیعه»، ۳۹ حدیث^۱ و در کتاب «مستدرک الوسائل»، ۱۷ حدیث^۲ با این مضمون نقل شده است که بنا و اساس اسلام بر چند موضوع استوار است و مهم‌ترین آنها، امامت و ولایت می‌باشد.

از جمله حدیثی از امام باقر(ع) در این رابطه نقل شده است که در آن به علت اهمیت مسئله ولایت اشاره کرده و می‌فرماید: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسَةِ أَشْيَاءَ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالْحَجِّ وَالصَّوْمِ وَالْوَلَايَةِ قَالَ زُرَّارَةُ فَقُلْتُ وَ أَى شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ أَفْضَلُ فَقَالَ الْوَلَايَةُ أَفْضَلُ لَإِنَّهَا مُفْتَاحُهُنَّ وَالْوَالِي هُوَ الدَّلِيلُ عَلَيْهِنَ» بنای اسلام بر نماز، زکات، حج، روزه و ولایت استوار است. زراره از مهم‌ترین این امور سؤال می‌کند و امام در پاسخ می‌فرماید: ولایت، زیرا ولایت، کلید سایر مسائل است و والی نقش رهبری و هدایت مردم را به دیگر موارد دارد. (حر عاملی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۳)

در این میان اگرچه بسیاری از محققان و پژوهشگران حوزه مطالعات علوم اسلامی کوشیده‌اند به بازشناسی کلمات گهربار ائمه اطهار(ع) و بررسی مبانی و اصول دیدگاه ایشان پردازند، لیکن آنچه تاکنون مطرح شده، بیشتر شرح و تفسیر احادیث منقول از آنان همراه با غلبه نگاه شرح حالی و سیره نگاری بوده است.

در این میان به نظر می‌رسد لازم است جهت تبیین دیدگاه‌ها و مبانی نظری و اعتقادی هر شخصیتی، به بررسی و تحلیل محتوای کلام او پرداخت چرا که به واسطه فهم گفتمان هر شخص و چینش منطقی کلمات او در کنار همدیگر و تحلیل محتوای آنهاست که می‌توان تا اندازه زیادی به درکی جامع از دیدگاه‌های آن فرد در رابطه با موضوع مورد مطالعه و اعماق اندیشه‌های او دست یافت، چنان‌که امیرالمؤمنین(ع) نیز بر این مسئله تأکید کرده و می‌فرماید: «تَكَلَّمُوا تُعَرَفُوا فَإِنَّ الْمَرْءَ مَجْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ»؛

۱. نک: حر عاملی، ۱۳۸۷، ج ۱، صص ۱۳-۲۹.

۲. نک: نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱، صص ۶۹-۷۵.

سخن بگویند تا شناخته شوید، چرا که انسان در زیر زبان خود پنهان است. (سید رضی ، ۱۳۸۶، حکمت ۳۹۲)

لذا از آنجا که کتب و مقالات متعدد دیگری به بررسی صحت اسناد این روایات و ادعیه پرداخته‌اند، در این مقاله از پرداختن به این موضوع اجتناب شده و تلاش شده است تا با استفاده از رویکردهای نوین به حوزه علوم نقلی، این متون مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار گیرند.

نکته‌ای که نباید از آن غفلت کرد، علت برگزیدن روش تحلیل محتوا برای کشف نظام حاکم بر ادعیه رضویه است. در حقیقت یکی از ویژگی‌های کلمات ائمه اطهار (ع) به‌عنوان حاملان اصلی دین و مخاطبان اصلی قرآن کریم^۱، این است که کلام ایشان دارای ظاهر و باطن بوده و گاه ممکن است این بواطن تا چندین لایه درونی ادامه داشته باشد. لذا به نظر می‌رسد یکی از روش‌های تحقیق مناسب و علمی برای کشف لایه‌های درونی ظواهر و بواطن آیات قرآن و کلمات ائمه اطهار (ع)، استفاده از روش تحلیل محتوای کمی و کیفی باشد. این روش قابلیت این را نیز دارد که مفاهیم به دست آمده را به صورت ساختاری بسط داده و طبقه‌بندی نموده و در قالب جدول، نمودار و مدل ارائه دهد. این روش در فضای رشته‌های حوزه علوم انسانی و به‌ویژه رشته الهیات که با بسط تفصیلی دانش مواجه هستند، بسیار اثرگذار و کاربردی است.

۲. روش تحقیق

چنان‌که مطرح شد در این مقاله جهت تبیین دقیق مؤلفه‌های به کار رفته در ادعیه رضویه از روش «تحلیل محتوا»^۲ استفاده شده که در ابتدا لازم است به معرفی این روش و انواع تکنیک‌های آن پرداخته و در نهایت با بیان دلایل خود، نوع تکنیک مناسب برای انجام این تحقیق را معرفی کنیم.

یکی از مهم‌ترین روش‌های شناسایی و جمع‌آوری داده‌ها (اطلاعات) که با توجه به موضوع، شرایط و هدف تحقیق، کاربرد بیشتری برای محققان داشته است، روش

۱. اشاره به حدیث «إِنَّمَا يَعْرِفُ الْقُرْآنَ مَنْ خُوطِبَ بِهِ» (کلینی، ۱۳۷۷ق، ج ۸، ص ۳۱۲)

۲. Contents Analysis

بررسی اسنادی می‌باشد که از طریق بررسی اسناد مکتوب نظیر انتشارات عموم ی، نسخه‌های محدود، اسناد کم‌پاب و نقشه‌ها، و اسناد غیر مکتوب نظیر عکس‌ها، فیلم‌ها، آثار هنری به جای مانده از گذشتگان صورت می‌گیرد. مزیت روش اسنادی مکتوب برای شناسایی تکمیلی در این است که در این روش اسناد به طور دقیق انجام می‌شود، استفاده از آن ساده‌تر است، به تخصص ویژه‌ای نیاز ندارد، و بخش عمده‌ای از اطلاعات لازم برای شناسایی در آن جمع‌آوری شده‌اند. (کیوی و کامپنهود، ۱۳۸۱، ص ۷۳)

زمینه‌های اصلی کاربرد روش بررسی اسناد عبارتند از: شناخت موضوع و جوانب آن، شناسایی نظریه‌ها، شناسایی مطالعات و تحقیقات قلبی در این زمینه، جمع‌آوری اطلاعات و انتخاب و تدوین الگوی تحلیلی. (عزتی، ۱۳۷۶، صص ۲۱۲-۲۱۳)

نکته مهم و قابل توجه این است که انتخاب روش تحقیق اغلب اختیاری نیست و ماهیت موضوع تحقیق آن را دیکته می‌کند. تحقیق در یک موضوع پیچیده انسانی - اجتماعی (مانند انگیزش نیروی کار، کشف مؤلفه‌های قدرت نرم و...) که در آن عوامل متعددی از حوزه‌های مختلف مؤثر است، نمی‌تواند در حوزه روش‌های کمی و دیدگاه‌های جزء نگر به مفاهیم اثر بخشی دست یابد هر چند که از نظر روش‌شناختی و اعتبار بخشی مورد تأیید باشد؛ و در نقطه مقابل برای موضوعاتی که در آن استنتاج از طریق استقرا معتبر نباشد، روش‌های کیفی نمی‌توانند اثر بخش و مفید باشند و اینجاست که ضرورت حیاتی سازگاری بین مبانی فلسفی و روش‌های تحقیق نمایان می‌شود. (علی‌احمدی و غفاریان، ۱۳۸۲، ص ۲۴۸)

روش تحلیلی محتوا معمول ترین روش تجزیه و تحلیل داده‌ای کیفی است و علیرغم شباهت‌های کاربردی، از مبنای تحلیلی متفاوتی برخوردار می‌باشد. مهارت‌های لازم برای انجام تحقیق کیفی عبارتند از: فاصله گرفتن از موضوع و تجزیه و تحلیل انتقادی شرایط، تشخیص پیش‌داوری و اجتناب از آنها، کسب اطلاعات معتبر و قابل اعتماد، و تفکر انتزاعی. برای انجام اینها، محقق تحقیقات کیفی به حساسیت نظری و اجتماعی، قدرت نگاه‌داشتن فاصله تحلیلی از موضوع در حالی که بتواند از تجربیات

گذشته، و دانش نظری برای تعمیم و تفسیر دیده‌ها و مشاهده پتوبینانه استفاده کند و به داشتن مهارت کافی در ایجاد ارتباط، نیازمند است. (استراوس و کوربین، ۱۳۸۴، ص ۱۸)

برای بررسی محتوای آشکار پیام‌های موجود در یک متن می‌توان از روش تحلیل محتوا استفاده کرد. در این روش محتوای آشکار و پلیم‌ها به طور نظام‌دار و کمی توصیف می‌شود. از این رو این روش را می‌توان روش تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی قلمداد کرد. تحلیل محتوا روشی مناسب برای پاسخ دادن به سؤال‌هایی درباره محتوای یک پیام است. (کرپندورف، ۱۳۷۸، ص ۳۶)

مهم‌ترین کاربرد تحلیل محتوا توصیف ویژگی‌های یک پیام است. کاربرد دیگر این روش، استنباط درباره فرستندگان پیام و دلایل یا پیش‌آیندهای پیام است. تحلیل محتوا برای استنباط جنبه‌های فرهنگی پیام و تغییرات فرهنگی نیز به کار می‌رود. استفاده از تحلیل محتوا به عنوان یک تکنیک تحقیقی، از اوایل قرن حاضر شروع شده و تاکنون تحولات زیادی را شاهد بوده است. این روش در پژوهش‌های علوم رفتاری به ویژه روان‌شناسی و علوم تربیتی برای بررسی‌های مربوط به محتوای کتاب‌های درسی به کار برده می‌شود.

لاسل، عمده‌ترین کاربرد تحلیل محتوا را، مطالعه ارتباطات به منظور پاسخ دادن به این سؤال قدیمی تحقیق در ارتباطات می‌داند که «چه کسی؟ چه چیزی را؟ به چه کسی؟ چرا؟ چگونه؟ و با چه تأثیری؟ می‌گوید.» (باردن، ۱۳۷۵، ص ۳۱)

از لحاظ هدف‌های تحقیق، این روش را می‌توان در موارد زیر به کار بست:

- تحلیل ویژگی‌های پیام به منظور توصیف آن؛
- تحلیل پیشینه‌های پیام به منظور توصیف فرستنده؛
- تحلیل پیامدهای پیام به منظور شناختن اثر آن بر روی مخاطب. (فیروزان، ۱۳۶۰، ص ۲۱۶)

اگر چه تحلیل محتوا در گام‌های اولیه صرفاً به منظور توصیف پیام‌های ارتباطی به کار می‌رفت اما در فرآیند تکاملی خویش قدم‌های بلندتری برداشت تا بدان جا که امروزه این روش از طریق اندازه‌گیری همبستگی متغیرهای مستتر در متن، توانایی

کشف شرایط اجتماعی برای تولیدکننده متون مورد تحلیل را یافته است. مسلماً در این مورد باید به تعریف دقیق‌تر متغیرها با پایایی و روایی بالایی دست یابیم. (هولستی، ۱۳۷۳، ص ۱)

روش تحلیل محتوا را گاهی فن «پرسشنامه معکوس»^۱ نیز می‌نامند. پرسشنامه نامعلوم است و هدف تلویحاً یافتن این پرسشنامه براساس پاسخ‌هایی است که پیشاپیش طی خبرها، مقاله‌ها و داسکندها داده شده و یا به عبارتی در این روش اسناد گفتاری چنان تحلیل می‌شوند که گویی جواب سؤالات پرسشنامه این هستند. (فیروزان، ۱۳۶۰، ص ۲۱۱)

لورنس باردن در کتاب خود با عنوان «تحلیل محتوا» اشاره می‌کند که تحلیل محتوا در حقیقت فن پژوهش عینی، اصولی و کمی به منظور تفسیر و تحلیل محتوا است و تفکر بنیادی تحلیل محتوا عبارت است از قرار دادن اجزای یک متن (کلمات، جملات، پاراگراف‌ها و امثالهم بر حسب واحدهایی که انتخاب می‌شوند) در مقولاتی که از پیش تعیین شده‌اند.

در حقیقت تحلیل محتوا در رابطه با متنی معنی پیدا می‌کند که آن متن برای انتقال پیام و مفاهیمی نوشته شده باشد و دارای ماهیتی مشخص باشد لذا تحلیل محتوا در مورد کلمات عامیانه‌ای که دارای مفاهیم ساده بدیهی و مشخصی هستند به کار نمی‌رود. پیلم‌هایی که توسط متن منتقل می‌شود می‌تواند دارای معانی مختلفی باشد لذا به واسطه تحلیل محتوا باید معنای اصلی آن پیام را بازشناخت. روش بازشناسی و تحلیل این پیلم‌ها به صورت نظام‌مند بوده و از قوانین و دستورات مشخصی تبعیت می‌کنند لذا آشنا شدن با روش تحلیل محتوا نیز ضروری می‌باشد. (باردن، ۱۳۷۵، ص ۲۹)

روشی که در این تحقیق به کار گرفته شده، روش تحلیل محتوا می‌باشد با این توضیح که روش تحلیل محتوا با رویکرد کمی و بسامد شماری واژگان، اصلاً وافی به مقصود این پژوهش نبوده و به اصطلاح روش شناختی روایی لازم را برای پاسخ‌گویی

^۱. Inverse Questionnaire

به سؤال تحقیق نداشت، بر این اساس رویکرد کیفی تحلیل محتوا مدنظر قرار گرفته است.

به عبارت دیگر روش تحلیل محتوا از این رو برای این تحقیق در نظر گرفته شده است که هدف عام آن ارائه توصیفی نظام یافته و عینی از ویژگی های ارتباط میان کلمات و عناصر مورد تحقیق است که از آن می توان برای دستیابی به نتایجی درباره مخاطبان دست یافت. (چوبینه، ۱۳۸۰، ص ۷۵)

جامعه آماری این تحقیق تعداد ۱۰۴ دعای موجود در کتاب صحیفه رضویه می باشد که به ادعیه رضویه معروف است. لازم به ذکر است که تحلیل های استخراج شده از این ادعیه در قالب جدولی با فرمت ذیل انجام شده است:

جدول ۱: نمونه جدول تحلیل محتوا

ردیف	متن دعا	قالب بیانی	جهت گیری	نقطه تمرکز	کدگذاری

که در این مقاله به علت محدودیت، امکان درج همه جداول وجود ندارد لذا تنها به ذکر نتایج حاصل از تحلیل محتوای جداول اکتفا می شود.

۲. تحلیل محتوای ادعیه رضویه

به منظور انجام این تحقیق، پس از مطالعه انواع فنون روش تحلیل محتوا که در منابع مختلف پیرامون آن بحث شده است، فن تحلیل محتوای مضمونی بر مبنای واحد جمله به صورت کمی و کیفی انتخاب شده و براساس آن جداول تحلیل محتوا تشکیل شده و سپس قالب های بیانی، جهت گیری ها و نقاط تمرکز هر کدام از جملات ادعیه امام رضا(ع) استخراج شده است. به عبارت دیگر فرآیند روش انجام این تحقیق به شرح ذیل می باشد:

۱. احصاء و نگارش ادعیه رضویه در جداول تحلیل محتوا؛

۲. تقطیع جملات هر کدام از ادعیه بر مبنای قالب های بیانی استفاده شده؛

۳. استخراج قالب بیانی هر کدام از جملات ادعیه؛
 ۴. استخراج جهت‌گیری اصلی هر کدام از جملات ادعیه؛
 ۵. استخراج نقاط تمرکز هر کدام از جملات ادعیه؛
 ۶. کدگذاری مضامین استخراج شده؛
 ۷. دسته‌بندی قالب‌های بیانی جهت استخراج نمودارهای آماری؛
 ۸. دسته‌بندی جهت‌گیری‌های ثبت شده در ذیل هر کدام از قالب‌های بیانی جهت استخراج نمودارهای آماری؛
 ۹. دسته‌بندی نقاط تمرکز ثبت شده در ذیل هر کدام از جهت‌گیری‌ها به منظور استخراج نمودارهای آماری؛
 ۱۰. کشف تحلیل‌های کیفی و ارائه نظریه براساس نتایج تحقیق.
- مراحل ۱ تا ۶ این تحقیق در جداول تحلیل محتوا و در نرم‌افزار Excel انجام شده و آنچه در ادامه می‌آید، مرحله ۷ به بعد خواهد بود.
- منظور از تحلیل محتوای کیفی نیز، تکنیکی برای تفسیر ذهنی محتوای داده‌های متن از طریق کدگذاری‌های طبقه‌بندی شده به صورت سیستماتیک می‌باشد که به دنبال مشخص ساختن الگوهایی است که در نهایت از مفاهیم ساخته می‌شوند. به عبارت دیگر تحلیل‌های کیفی، به مثابه تکنیکی برای بررسی عمق بیشتری از پدیده اتخاذ می‌شوند که در نهایت منجر به نظریه‌پردازی می‌گردند. (هولستی، ۱۳۷۳، ص ۱۴)

۲-۱. قالب‌های بطنی ادعیه رضویه

هر انسانی به جهت بیلن مطالب و مقاصد ذهنی خویش، گونه‌ای از قالب‌های بیانی را اخذ نموده و از آنها برای وصول به مطلوب ذهنی خود در کلام استفاده می‌کند. استفاده از قالب‌های بیانی یک امر کاملاً طبیعی است و در حقیقت همچون بافت متن، در زمینه هر جمله‌ای وجود داشته و محتوای اصلی آن جمله را بیان می‌کند.

در این مقاله به منظور تحلیل محتوای ادعیه امام رضا(ع) ابتدا به تحلیل و استخراج قالب‌های بیانی به‌کار رفته در این ادعیه پرداخته شده است. نمودار استخراج شده از سنجش فراوانی این قالب‌ها بیانگر این مطلب مهم است که آن امام بزرگوار جهت بیان

مطالب خود از چه قالب‌های بیانی بیشترین و کمترین استفاده را نموده و چه قالب‌های بیانی نیز در کلام خود ایجاد کرده‌اند.

لکن پیش از پرداختن به این مطلب در ابتدا لازم است این قالب‌های بیانی معرفی و تعریف شوند، چرا که قالب‌های بیانی، نقش راهنمای تحلیل‌گر را دارند و لازم است در ابتدای هر تحقیق و پژوهشی که با روش تحلیل محتوا انجام می‌شود، به شکل کاربردی تعریف شوند.

۲-۱-۱. تعاریف قالب‌های بیانی

تعاریفی که در ذیل آمده، معیار انتخاب یک قالب برای قسمتی از ادعیه است. تبیین دقیق این معیارها به محقق کمک می‌کند تا انتخاب صحیحی جهت کدگذاری مطالب انجام دهد.

۲-۱-۱-۱. تجلی

منظور از تجلی، عباراتی است که در آن فرد به همراهی یا دوستی با شخصی یا پیروی از مذهب و مسلکی افتخار می‌کند و آن را بزرگ می‌شمرد. یاد کردن با احترام از انبیاء الهی، دین مبین اسلام، قرآن کریم، پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) در کلام، نشان دهنده ارادت و احترام گوینده متن به این افراد و مقامات است.

همچنین در بسیاری از موارد مشاهده می‌شود که گوینده یا نویسنده در ابتدای کلام خود به تعدادی از افراد و گروه‌ها درود و سلام فرستاده و با احترام از ایشان یاد می‌کند. در این گونه موارد جهت تحلیل کلام لازم است پی‌جویی شود که علت و مقصد این درودها چیست و چه آثاری برای مخاطبین آن کلام یا نوشته ایجاد می‌کند.

در حقیقت باید گفت که تجلی از این مقامات و افراد بعضاً به خاطر جایگاه آن شخصیت و یا گروه و اهمیت آن در منویات متکلم است. در برخی موارد گوینده کلام قصد دارد تا با اشاره به آن مقام و جایگاه، آن فرد را به عنوان الگو و اسوه معرفی نماید. این مطلب به‌ویژه در مواقعی که برخی اوصاف و ویژگی‌های آن فرد نیز بیان می‌شود، جلوه بیشتری پیدا می‌کند.

گاه می‌توان با توجه به اوصافی که برای هر یک از این افراد در متن بیان شده به جایگاه آن فرد در جامعه آرمانی مدنظر متکلم و میزان اهمیت آن جایگاه و رابطه آنها با یکدیگر پی برد.

به عنوان مثال ممکن است گوینده در بخشی از کلام خود به نقش هدایت‌گرانه پیلبران برای نجات انسان‌ها از گمراهی اشاره کرده باشد. از این کلام می‌توان این گونه نتیجه گرفت که در جامعه آرمانی مدنظر گوینده و آینده مطلوب او، انسان‌ها برای یافتن راه نجات به آموزه‌های انیله توجه می‌نمایند و آنان را به عنوان الگو، اسوه خود قرار داده‌اند.

۲-۱-۱-۲. توصیف

منظور از این قالب بیانی، هرگونه مطلب توصیفی است که به بیلن برخی ویژگی‌ها و مشخصات چیزی یا کسری در متن اشاره دارد. در این قالب بیانی، گزاره‌ها در یک ساختار خبری به نهاد یا مفعولای نسبت داده می‌شوند.

توصیف گاه صرفاً بیلن گر یک گزاره خبری و گاه ی نشان دهنده اشتیاق و علاقه‌مندی متکلم به موضوع، پدیده یا فردی خاص است. در تفاوت بین جملات توصیفی و تجلیل باید به این نکته توجه داشت که جملات توصیفی هیچ بار ارزشی ندارند و طی آن صرفاً وصف یک شیء یا واقعه بیان می‌شود اما در تجلیل، نکوداشت صورت می‌گیرد. در توصیف ضرورتاً مطلوبیت وجود ندارد اما در تجلیل مطلوبیت وجود دارد. توصیف کاملاً نگاهش خنثی است اما تجلیل نگاه مثبت دارد. توصیف ممکن است مثبت یا منفی باشد اما تجلیل فقط مثبت است.

۲-۱-۱-۳. مناجات

برای قالب مناجات می‌توان تعریف زیر را بیلن داشت: عرض حال به محضر خداوند که توأم با خضوع و خشوع باشد. مناجات روح مشخصه و وجه ممیزه انسان در برابر سایر موجودات است چرا که با مقوله انسان‌شناسی ارتباط مستقیم دارد. انسان دارای دو بُعد جسمی و روحی است و تربیت و رشد و تعالی نیز زمانی برای انسان اتفاق می‌افتد که هر دو بُعد انسان مورد توجه واقع شوند.

در این میان مفهوم کمال نیز زمانی مطرح می‌شود که در توجه انسان به رشد جسم و روح نوعی تعادل به وجود آید. لذا اگر انسانی تنها به تربیت و رشد یکی از دو بُعد خویش پردازد، در واقع از تعادل خارج شده و کمال بدون تعادل معنا ندارد. این قالب، شباهت زیادی به قالب بیانی دعا دارد و به نحوی درخواست از خداوند است، اما با این تفاوت که مناجات، در بردارنده خضوع و تضرع فرد در برابر خداوند است و معمولاً فرد به یلن بزرگی و عظمت خداوند و کوچک بودن خود می‌پردازد، اما در دعا تنها توجه به خداوند است بدون نگاه به خویشتن.

۴-۱-۱-۲. حدیث نفس

حدیث نفس به کلامی گفته می‌شود که در آن فرد، خود را ملامت می‌کند و برگزیده خود تأسف می‌خورد و با تضرع و زاری، بر گناهان خود اعتراف کرده و در واقع حدیث نفس خوانده است. در این مقام، فرد در خلوت، نفس خود را مخاطب قرار داده و با آن سخن می‌گوید اگرچه به نظر می‌رسد نوعی مناجات با خداوند نیز در آن نهفته باشد.

۵-۱-۱-۲. دعا

در تعریف مفهومی دعا باید گفت که دعا، درخواست چیزی از خداوند به نحوی رسمی‌تر از مناجات است. این قالب بیانی به دلیل آن که دربرگیرنده مفاهیم و موضوعات متعددی است، خوبه یک قالب بیانی کلی تبدیل شده است که در متون دینی از آن با عنوان «ادعیه» سخن گفته می‌شود لکن باید توجه داشت که در هر دعایی نیز می‌توان از قالب‌های بیانی متعددی استفاده کرد.

این سخن بدان معناست که اصل ارتباط هر انسانی (به‌عنوان ضعیف‌ترین موجود هستی) با خداوند (به‌عنوان تنها قادر و عالم جهان هستی) درخواست از او و طلب چیزی از خداوند می‌باشد که در عرف بدان دعا گفته می‌شود لکن هر انسانی برای بیان درخواست‌های خود از خداوند می‌تواند از قالب‌های بیانی متعددی استفاده کند و با ذکر مقدمات و مطالبی چند، این خواسته خود را صریحاً یا در ضمن مطالبی دیگر بیان دارد.

۲-۱-۱-۶. توصی

منظور از توصیه، سفارش‌هایی است که گوینده کلام یا نویسنده متن از مخاطبان خود دارد. این توصیه‌ها می‌توانند در زمینه‌های مختلف بوده و موضوعات متعددی را شامل شوند لکن باید توجه داشت که امکان تحقق آنها عقلاً و عملاً وجود داشته باشند چرا که در غیر این صورت به امید و آرزو تبدیل می‌شوند.

۲-۱-۱-۷. تحذی

همان گونه که در رابطه با توصیه گفته شد که یک خواهش و درخواست عمومی با استفاده از قالب ادبی امر است، تحذیر نیز یک خواهش و درخواست عمومی است لکن با استفاده از قالب ادبی نهی. این قالب بیانی دلالت بر این دارد که مخاطب را از انجام کاری برحذر داشته و از انجام این عمل نهی می‌نماید.

۲-۱-۱-۸. درخواست

منظور از درخواست نیز نوعی از سفارش‌هایی است که به امور شخصی و فردی متکلم کلام مربوط می‌شود و نمی‌توان آنها را به عموم مردم جامعه تعمیم داد. باید توجه داشت که مهم‌ترین تفاوت توصیه و درخواست در جنبه عمومی یا شخصی بودن موضوع مورد سفارش است. به عنوان مثال جمله «اسلام را حفظ کنید» به توصیه عمومی به همه مسلمانان جهان در حال حاضر و آینده است اما جمله «مرا عفو کرده و ببخشید» به درخواست شخصی با موضوع طلب عفو می‌باشد و تنها مخاطب آن نیز حاضران در جمع یا افراد نزدیک به گوینده کلام می‌باشند.

۲-۱-۱-۹. تحلی

در قالب تحلی، یکی از موارد زیر بیان می‌شود:

- تطبیق یک شخصیت آرمانی «مانند امام حسین(ع)» بر یک مصداق معاصر «مانند امام خمینی(ره)».

- تعیین وضعیت موجود به نحوی که با یک بررسی تطبیقی میان دو وضعیت مختلف زمانی و مکانی گذشته و حال، آن دو وضعیت را با همدیگر مقایسه و در نهایت تطبیق کنیم.

- پیش‌بینی آینده براساس تحلیل روند موجود یا مُلهم از گزاره‌های وحیانی . مثال : مستضعفین وارث زمین خواهند شد.
- بیان دلایل و استدلال‌هایی برای اثبات مطلب و مدعای مورد نظر.
- اشاره به علل و عوامل وقوع یک حادثه یا امری.
- بررسی چرایی وقوع یک حادثه یا امری.
- تبیین چگونگی وقوع یک امر و روند تدریجی تکامل آن.
- ارائه راهکارهای متعدد برای رسیدن به مقصدی واحد.
- اخذ نتیجه‌ای واحد براساس مقدماتی چند. (یاوری و همکاران، ۱۳۸۸، صص ۷۸-

(۹۶)

۱۰-۱-۲. قاعده

در این قالب بیانی، قانون‌ها و سنت‌هایی الهی که براساس آن جامعه و نظام هستی استقرار می‌یابد، بیان شده است. این قالب بیانی بهترین راهنما برای ترسیم یک جامعه مطلوب است. قاعده و قانون، یک گزاره خبری است که دارای نتیجه یا راه‌کار نیز باشد که از یک اقدام یا کنش در زمان حال به‌دست می‌آید. این قواعد در برخی موارد به صورت جملات شرطی یا مرکب بیان می‌شوند و ارزش آنها از تحلیل بالاتر است. در تحلیل، فضای روز بیان می‌شود اما در قاعده، قانون‌مندی‌های موجود بر فضای حاکم بیان می‌شود که در واقع نتیجه تحلیل صحیح و درست است.

۱۱-۱-۲. تنبی

این قالب بیانی معمولاً به دو شکل زیر بیان می‌شود: بیان جمله‌ای سؤالی که هدفش آگاهی دادن به دیگران یا بیدار کردن آنها باشد و با طرح آن، خواننده به فکر فرو می‌رود و یا بیان جمله‌ای مهم که حاوی تذکری به مخاطبین باشد. در حقیقت کارکرد مهم این قالب بیانی، آگاهی بخشی به مخاطبین است چرا که ممکن است خواننده متن یا مخاطب کلام نسبت به مسئله‌ای غافل یا جاهل باشد که با طرح سؤال یا تذکر آگاه شده و نسبت به آن مطلب هوشیار می‌شود. این قالب بیانی

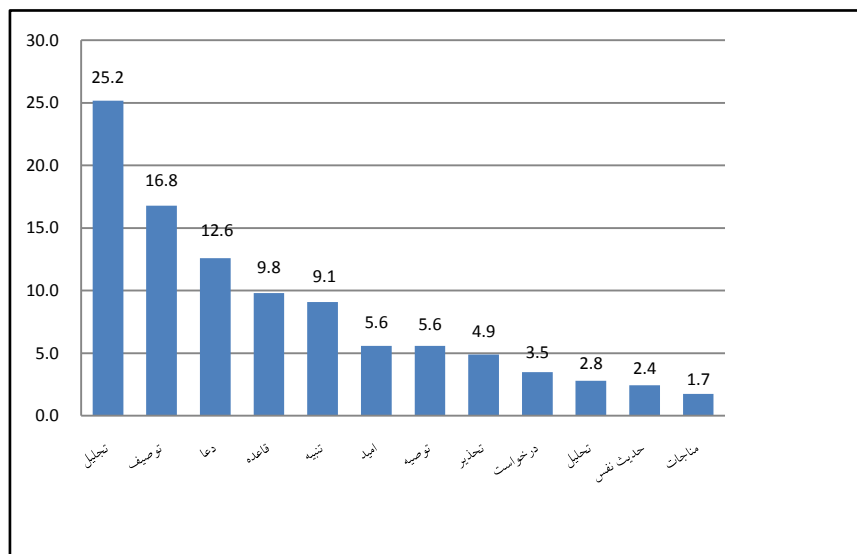
معمولاً با عبارتی نظیر؛ بدانید که، آگاه باشید که و... شروع می‌شود.(جانی پور، ۱۳۹۱، صص ۱۰۹-۱۱۴)

در ادعیه ائمه اطهار(ع) استفاده از آیات قرآن بیشتر با این رویکرد بوده و جهت آگاهی دادن به مخاطبان استفاده شده است. البته مواردی نیز وجود دارند که از آیات قرآن کریم برای معرفی خداوند متعال (توصیف) یا بیان قواعد و سنن الهی (قلعه) و توصیه به انجام دستورات الهی (توصیه) نیز استفاده شده است.

۲-۱-۲. سنجش فراوانی قالب‌های بیانی

اکنون پس از آشنایی اجمال با تعاریف هر کدام از قالب‌های بیانی، نمودار سنجش فراوانی قالب‌های بیانی به کار رفته در ادعیه رضویه درج می‌شود. مجدداً لازم به ذکر است که نمودار ذیل حاصل استخراج قالب‌های بیانی جملات تقطیع شده ادعیه رضویه می‌باشد. این مطلب بدان معناست که هر کدام از ادعیه به چندین جمله تقطیع شده و در نهایت قالب بیانی آن جملات استخراج و دسته بندی شده است.

نمودار ۱: سنجش فراوانی قالب‌های بیانی ادعیه رضویه



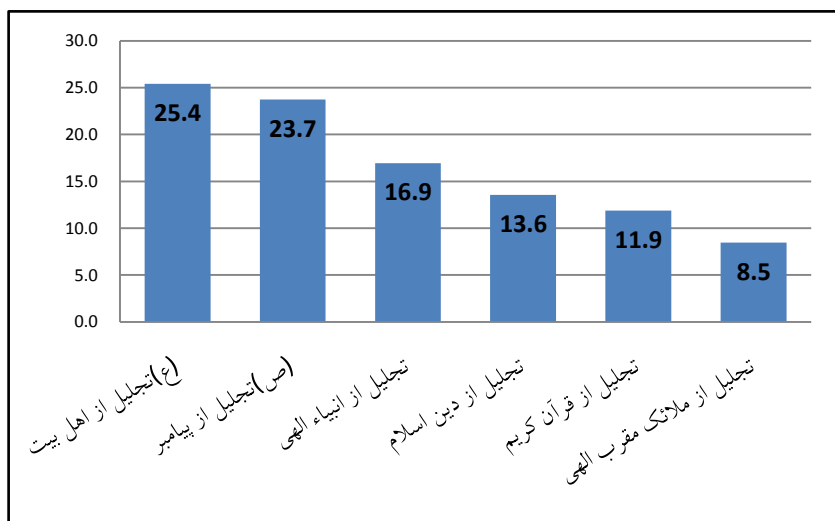
نمودار فوق نشان می‌دهد که قالب‌های بیانی تحلیل و توصیف دارای بیشترین کاربرد و استعمال در ادعیه امام رضا(ع) می‌باشد. این مطلب از آن جهت دارای اهمیت

است که انتظار می‌رود در چنین متونی قالب بیانی دعا و مناجات دارای بیشترین کاربرد باشد لکن نتایج حاصل از تحلیل محتوای متن ادعیه رضویه خلاف این انتظار و پیش‌فرض ذهنی را نشان می‌دهند. این مطلب بیانگر نکات مهم و متعددی است که در ادامه بدان می‌پردازیم. لازم به ذکر است که در این مقاله تلاش شده تا هر کدام از این قالب‌های بیانی به صورت جداگانه مورد تحلیل و ارزیابی قرار گیرند و نمونه‌ها یی از آنها بیان شوند.

۲-۲. تجللی‌های ادعیه رضویه

یکی از نکات مهم و قابل توجه در تحلیل محتوای ادعیه رضویه، فراوانی قالب بیانی «تجلیل» نسبت به دیگر قالب‌های بیانی می‌باشد. براساس آنچه از جدول تحلیل محتوای ادعیه امام رضا(ع) استخراج شده است، در این متون از افراد، گروه‌ها و مواردی تجلیل شده که در ادامه فهرست آنها در نمودار ذیل ارائه می‌شود:

نمودار ۲: سنجش فراوانی تجلیل‌های ادعیه رضویه



تعجب از کثرت تجلیل‌های صورت گرفته در این متون از آن جهت مهم است که متن مورد تجزیه و تحلیل واقع شده «دعا» می‌باشد و انتظار نیز آن است که در این متون، قالب‌های بیانی دعا، مناجات و درخواست بیشتر باشد، لکن به نظر می‌رسد امام رضا(ع) تلاش دارند تا با استفاده از این ابزار تبلیغاتی (دعا) که از صدر اسلام توسط

پیامبر اکرم (ص) شروع شده و در طول تاریخ توسط ائمه اطهار (ع) ادامه یافته و به‌ویژه در زمان امام سجاد (ع) به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای تبلیغاتی مورد استفاده بوده است، اهداف و مقاصد خاص خود را به جامعه اسلامی انتقال دهند.

نمودار فوق که به سنجش فراوانی تجلیل‌های صورت گرفته در ادعیه امام رضا (ع) می‌پردازد، بیانگر آن است که آن امام همام تلاش دارند تا در این متون، بیش از آن‌که به رفع حوائج مردم پرداخته و متونی را صرفاً جهت برآورده شدن حاجات مادی و معنوی به مردم آموزش دهند، نقش و جایگاه اهل‌بیت (ع)، دین اسلام و قرآن کریم را به مردم جامعه گوشزد کرده و آنان را متوجه این مهم سازند که همه برکات و خیرات موجود بواسطه حضور این افراد و موارد است و همه نواقص و کمبودها نیز بواسطه توجه به این افراد و موارد برطرف خواهند شد.

نکته جالب آن است که در بسیاری از ادعیه صادره از امام رضا (ع) مشاهده می‌شود که پیش از بیان هر گونه مطلب و درخواستی، به پیامبر اکرم (ص) و اهل‌بیت (ع) ایشان اشاره شده و در برخی موارد صراحتاً از آنان نام برده شده است.^۱

در موارد متعددی نیز به جایگاه والای اهل‌بیت (ع) در نظام خلقت و همچنین جایگاه والای ایشان در نزد خداوند و این‌که همه امور هستی در دست اهل‌بیت (ع) است، اشاره شده و بدین وسیله تلاش شده است تا جامعه اسلامی از خلال قرائت این دعاها در مناسبات زمانی و مکانی مختلف و در هنگام وقوع حوادث و مشکلات متوجه مقام شامخ اهل‌بیت عصمت و طهارت (ع) شده و از این طریق بدانان تقرّب جویند.^۲

به‌عنوان یک نمونه می‌توان به بخشی از دعای شماره ۲۱ اشاره کرد که در آن به

تجلیل از امیرالمومنین (ع) پرداخته و می‌فرمایند: «وَأَنَّ عَلِيًّا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ سَيِّدُ الْأَوْصِيَاءِ وَوَارِثُ عِلْمِ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَدَلِيلُ الْغَائِبِينَ وَمُجَاهِدُ الْمَارِقِينَ إِمَامِي وَحُجَّتِي وَغُرَّتِي وَصِرَاطِي وَدَلِيلِي وَمَحَجَّتِي وَمَنْ لَا أَثِقُ بِأَعْمَالِي وَلَوْ زَكَتْ وَلَا أَرَاهَا مُنْجِيَةً لِي وَلَوْ صَلَحَتْ إِلَّا بِوَلَايَتِهِ وَالْإِثْمَامِ بِهِ وَالْإِفْرَارِ بِفَضْلِهِ وَالْقَبُولِ مِنْ

۱. به‌عنوان مثال رک: ادعیه شماره ۴، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۸ و ...

۲. به‌عنوان مثال رک: ادعیه شماره ۲۱، ۲۳، ۳۲ و ...

حَمَلَتْهَا وَالتَّسْلِيمَ لِرُؤُوسِهَا وَأَقْرَبَ بِأَوْصِيَائِهِ مِنْ أبنَائِهِ أُمِّمَةً وَحُجَجًا وَادِلَةً وَسُرُجًا وَاعْلَامًا
وَمَنَارًا وَسَادَةً وَأُبْرَارًا»

۲-۳. توصیفات ادعیه رضویه

همان‌گونه که در بخش تعاریف قالب‌های بیانی گفته شد، منظور از قالب بیانی توصیف، هرگونه مطلب توصیفی است که به یلن برخی ویژگی‌ها و مشخصات چیزی یا کسی در متن اشاره دارد. در تحلیل محتوای ادعیه رضویه، بخش عمده‌ای از مطالب به توصیف خداوند متعال اختصاص یافته است لذا منظور از این توصیفات نیز؛ تسبیح، تحمید، تهلل، تکبیر و توحید خداوند متعال است.

معنای تسبیح (سبحان الله) منزّه داشتن خدا از هر صفت عدمی است که چون مرگ، عجز، جهل و غیره نقص شمرده شود. مؤلف قاموس القرآن نیز تسبیح را تنزیه خدا از هر بدی و نقصی دانسته است و می‌نویسد: «اصل التَّسْبِيح: التَّنْزِيهِ وَالتَّقْدِيسُ وَالتَّبَرُّؤُ مِنَ النَّقَائِصِ» (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۲۱۳) در حقیقت ریشه این کلمه از «سَبَّحَ» به معنای عبور و گذشتن با شتاب گرفته شده و لذا تسبیح، منزّه دانستن و تنزیه خداوند تعالی است و اصلش عبور و گذشتن با شتاب در پرستش و عبادت خداوند است. (راغب، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۱۷۶)

معنای تکبیر (الله اکبر) نیز این است که خدا از این‌که در وصف بگنجد بزرگ تر است، پس خدای تعالی از هر وصفی که با آن توصیفش کنیم و حتی از خود این وصف نیز بزرگ‌تر است. این معنا کاملاً با توحید اسلامی مناسب است چون توحید ی‌دی که دین مبین اسلام پیشنهاد کرده از هر توحید دیگری که در سایر شرایع دینی مطرح شده بالاتر و مهم‌تر است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۱۲۶)

در ادعیه رضویه موارد متعددی از عبارات و جملات وجود دارد که بر تسبیح و تحمید و تهلل و تکبیر خدای تعالی اشاره دارد. از آن جمله می‌توان به دعای شماره ۳ اشاره کرد که می‌فرماید: «سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ» و در دعای شماره ۴ نیز مجدداً بر این مطلب تأکید می‌کنند: «سُبْحَانَ اللَّهِ كَمَا يَنْبَغِي لِلَّهِ، وَ

الْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا يَنْبَغِي لِلَّهِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كَمَا يَنْبَغِي لِلَّهِ، اللَّهُ أَكْبَرُ كَمَا يَنْبَغِي لِلَّهِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ كَمَا يَنْبَغِي لِلَّهِ وَ...»

در دعای شماره ۶ نیز به تحمید الهی پرداخته و می‌فرماید: «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَرَدِّ نَوَازِلِ الْبَلَاءِ وَ مُلِمَاتِ الضَّرَاءِ ... وَلَكَ الْحَمْدُ رَبُّ عَلِيٍّ هَنِيءٌ عَطَائِكَ ... وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى إِحْسَانِكَ الْكَثِيرِ ... وَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبُّ عَلِيٍّ تَثْمِيرِكَ قَلِيلِ الشُّكْرِ ...» که در آن امام (ع) به تحمید و شکرگذاری از خداوند برای همه عطایا و بلایا پرداخته اند اگرچه این دعا نیز در بخش تسیحات و با عنوان مناجات با خداوند درج شده است.

در خصوص تهلیل نیز در دعای شماره ۱۹ می‌فرماید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ». در دعای شماره ۴۰ نیز می‌فرماید: «يَا مَنْ لَا شَبِيهَ لَهُ وَلَا مِثَالَ، أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَلَا خَالِقَ إِلَّا أَنْتَ، تُفْنِي الْمَخْلُوقِينَ وَ تَبْقِي أَنْتَ، حَلُمْتَ عَمَّنْ عَصَاكَ وَ فِي الْمَغْفِرَةِ رِضَاكَ».

در دعای شماره ۷۴ نیز می‌فرماید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّنَا وَ رَبُّ آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِلَهًا وَاحِدًا وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ - مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»

در خصوص موضوع تکبیر نیز در دعای شماره ۶۲ می‌فرماید: «اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَيَّ مَا هَدَانَا، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَيَّ مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ ...» و در دعای شماره ۴۳ نیز می‌فرماید: «بِسْمِ اللَّهِ الْعَظِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الْعَظِيمِ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ إِلَّا ذَهَبَتْ وَ انْقَرَضَتْ» که مجدداً در این دعا نیز بر بلندمرتبه بودن خداوند متعال اشاره شده است. نکته قابل ذکر در این بخش، تعریف ویژه‌ای است که برای اصطلاح «توحید» در

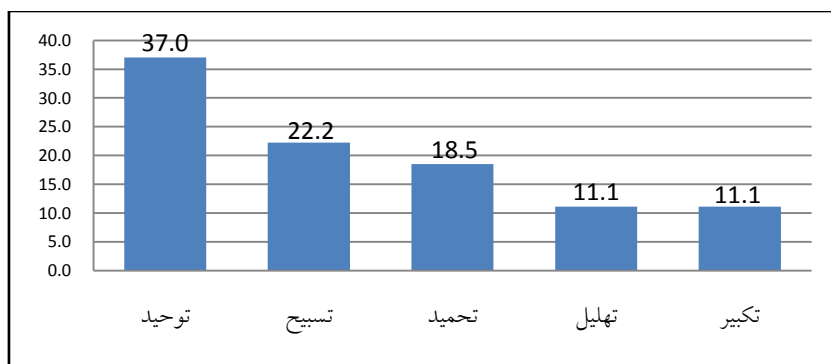
این مقاله اتخاذ شده است. در ادعیه رضویه عبارات متعددی وجود دارد که به معرفی خداوند و بیان صفات و ویژگی‌های او می‌پردازد و از آن‌جا که نمی‌توان این عبارات را در قالب‌های چهارگانه تسبیح، تحمید، تهلیل و تکبیر جای داد لذا عنوان «توحید» برای این بخش از توصیفات اختصاص پیدا کرده است.

به‌عنوان مثال در دعای شماره ۲ آمده است: «سُبْحَانَ خَالِقِ النُّورِ سُبْحَانَ خَالِقِ الظُّلُمَةِ سُبْحَانَ خَالِقِ الْمَيَّاهِ سُبْحَانَ خَالِقِ السَّمَاوَاتِ سُبْحَانَ خَالِقِ الْأَرْضِينَ سُبْحَانَ [خَالِقِ الرِّيَّاحِ

وَالنَّبَاتِ سُبْحَانَ خَالِقِ الْحَيَاةِ وَالْمَوْتِ سُبْحَانَ خَالِقِ الثَّرِيِّ وَالْفُلُوتِ سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ» و اگرچه این دعا را در بخش تسبیحات ذکر کرده‌اند لکن به نظر می‌رسد امام رضا(ع) در این دعا بیشتر تلاش دارند تا صفت خالقیت خداوند را با ذکر مثال‌هایی تبیین و معرفی نمایند.

همچنین در دعای شماره ۱۵ آمده است: «يَا اللَّهُ يَا وَلِيَّ الْعَافِيَةِ وَ رَازِقَ الْعَافِيَةِ وَ الْمُنْعِمَ بِالْعَافِيَةِ وَ الْمُتَمَنِّ بِالْعَافِيَةِ وَ عَلَيَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ رَحْمَتِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ رَحِمَهُمَا صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ارْزُقْنَا الْعَافِيَةَ وَ تَمَامَ الْغَافِيَةِ فِي شُكْرِ الْعَافِيَةِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ» که بخش اول آن تلاش دارد تا به معرفی صفاتی دیگر از خداوند متعال بپردازد. همچنین در این رابطه می‌توان به ادعیه شماره ۲۳ و ۳۶ نیز اشاره کرد که کاملاً با این رویکرد از آن حضرت صادر شده است. نمودار ذیل بیانگر آن است که توصیفات بیان شده در ادعیه رضویه اکثراً در رابطه با خداوند متعال بوده و بیشتر به بیان صفات و ویژگی‌های خداوند است:

نمودار ۳: سنجش فراوانی توصیفات ادعیه رضویه



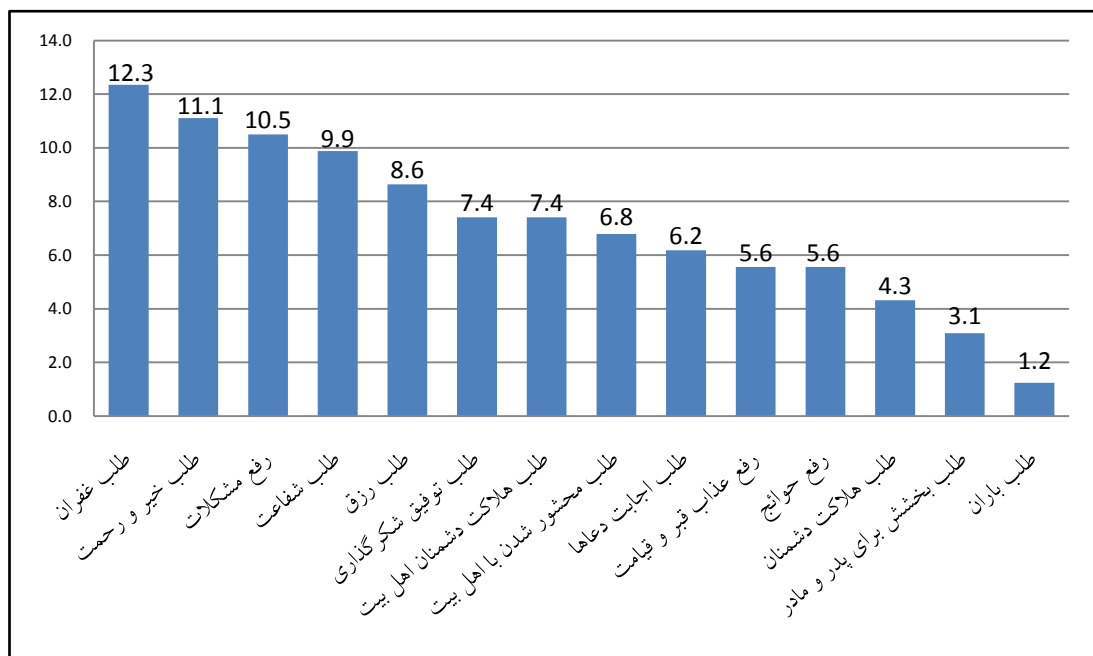
۲-۴. موضوعات ادعیه رضویه

در رابطه با موضوعات مطرح در ادعیه امام رضا(ع) به‌طور خاص باید گفت که این موضوعات از تحلیل محتوای متن ادعیه استخراج و طبقه‌بندی شده و به هیچ عنوان، عناوین مطرح برای هر کدام از ادعیه در این سنجش ملاک قرار نگرفته‌اند. این مطلب بدان معناست که عناوین مطرح برای ادعیه در کتاب صحیفه رضویه در این پژوهش

ملاک قرار نگرفته و محقق خود شخصاً در رابطه با هر کدام از ادعیه موضوع یا موضوعاتی را انتخاب کرده است.

فهرستی از این موضوعات در نمودار ذیل ارائه شده است که بیانگر سنجش فراوانی آنها نیز می‌باشد:

نمودار ۴: سنجش فراوانی موضوعات ادعیه رضوی



پیشتر در تعریف مفهومی دعا گفته شد که دعا، درخواست چیزی از خداوند به نحوی رسمی‌تر از مناجات است و در عین حال با قالب بیانی «درخواست» نیز متفاوت است چرا که «دعا»، نوعی درخواست عمومی است و «درخواست» یک خواهش و طلب شخصی و فردی می‌باشد.

به‌عنوان مثال آن حضرت برای طلب غفران در دعای شماره ۷ می‌فرمایند: «يَا كَرِيمُ اغْفِرْ لِمَنْ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ» که نشان از آن دارد که آن حضرت (ع) این طلب غفران را برای همگان خواسته‌اند.

آنچه در نمودار فوق نشان داده شده است، فهرستی از موضوعاتی می باشد که امام رضا(ع) در ادعیه خود آنها را برای مردم جامعه اسلامی از خداوند متعال طلب کرده اند. نکته قابل توجه در این فهرست؛ طلب هلاکت دشمنان اهل بیت(ع) و طلب محشور شدن با اهل بیت(ع) می باشد. اگرچه در نگاه اول ممکن است این سؤال پیش آید که به دلیل صادر شدن این ادعیه از طرف معصوم، این موارد در قالب بیانی «درخواست» باید گنجانده شوند لکن توجه به این مطلب مهم است که نوع الفاظ به کار رفته در این ادعیه و فضای غالب بر آن جملات به گونه ای است که هر خواننده و مخاطبی متوجه می شود این الفاظ در قالب بیانی «دعا» به کار رفته و کلامی از زبان همگان و توصیه ای برای همگان است و نه شخصی خاص.

۲-۵. سنن الهی ادعیه رضویه

بخش دیگر از مطالب مطرح شده در ادعیه رضویه بیانگر قواعد و قوانینی است می توان از آنها به سنن الهی تعبیر کرد. امام رضا(ع) در خلال مطالبی که در قالب دعا به مردم جامعه اسلامی آموزش داده اند، تلاش کرده اند تا با معرفی این سنن و کارکردهای آنها، در حوزه اعتقادات نیز آموزش های لازم را به مردم جامعه اسلامی ارائه دهند. آموزش های اعتقادی از جمله وظایف خطیر و اختصاصی است که ائمه اطهار(ع) در طول حیات پر برکت و گرانمایه خود تلاش کرده اند تا در قالب های مختلف و در هر فرصتی آن را به مردم منتقل کنند. در ادامه به یکی از مهم ترین این قواعد و سنن الهی که در ادعیه رضویه مورد استناد قرار گرفته اند، اشاره می شود.

به نظر می رسد از جمله قواعد ضمنی استجاب دعا از منظر امام رضا (ع)؛ صلوات فرستادن بر پیامبر مکرم اسلام(ص) و ائمه اطهار(ع) است چنان که این امر را تقریباً در همه ادعیه صادر شده از ایشان شاهد هستیم و صراحتاً نیز بدان دستور داده اند. به عنوان ملکه در دعای شماره ۳۲ می فرمایند: «يَا مَاجِدُ يَا وَاحِدُ يَا كَرِيمُ يَا دَائِمُ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ (ص) يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّكَ وَ رَبِّي وَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ أَسْأَلُكَ نَفْعَهُ كَرِيمَهُ مِنْ نَفْعَاتِكَ وَ فَتْحًا يَسِيرًا وَ رِزْقًا وَاسِعًا».

این قواعد به دو صورت در ادعیه شریفه رضویه بیان شده‌اند:

(الف) استفاده تضمینی از آیات قرآن کریم که در این زمینه می‌توان به موارد متعددی اشاره کرد. به عنوان مثال ایشان در دعای شماره ۴۵ می‌فرمایند: «إِذَا ذَهَبَ لَكَ ضَالَّةٌ أَوْ مَتَاعٌ فَقُلْ "وَعِنْدَهُ مَفَاتِيحُ الْغَيْبِ ... فِي كِتَابٍ مُبِينٍ" ثُمَّ تَقُولُ اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَهْدِي مِنَ الضَّالَّةِ وَتُخَيِّ مِنَ الْعَمَى وَتَرُدُّ الضَّالَّةَ».

همچنین در دعای شماره ۴۶ نیز مکرر از آیات قرآن استفاده کرده و می‌فرمایند: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، بِسْمِ اللَّهِ، بِسْمِ اللَّهِ، بِسْمِ اللَّهِ، إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا يُسْرًا يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَيَّ مَا هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ وَ يُهَيِّئْ لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ مَرَفَقًا وَ يُهَيِّئْ لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ رُشْدًا وَ عَلَيَّ اللَّهُ قَصْدُ السَّبِيلِ وَ مِنْهَا جَائِزٌ وَ لَوْ شَاءَ لَهْدَاكُمْ أَجْمَعِينَ ثُمَّ السَّبِيلَ يَسِّرُهُ- أَوْ لَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَ جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا فَلَا يُؤْمِنُونَ فَانْتَبَذْتُمْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَ كُنْتُ نَسِيًّا فَنَادَاهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا وَ هُزِّي إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رَطْبًا جَنِيًّا فَكُلِي وَ اشْرَبِي وَ قَرِّي عَيْنًا فَإِمَّا تَرَيْنَ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِي إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أَكُلَمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا وَ...»

در دعای شماره ۹۰ نیز که در خصوص امر ازدواج است، با اشاره به آیاتی که خداوند در قرآن کریم به واسطه آنها مردم را به ازدواج و تشکیل خانواده دعوت کرده، تلاش دارند تا این امر (ازدواج) را نوعی اطاعت از دستورات الهی تلقی کنند.

(ب) استفاده تلویحی از سنن الهی. در حقیقت باید گفت که بسیاری از قاعده‌های بی که امام رضا (ع) در ادعیه خود بدان اشاره کرده‌اند، به صورت استفاده تلویحی از سنن الهی بوده است. به عنوان مثال ایشان در دعای شماره ۳۰ می‌فرماید: «اللَّهُمَّ جَدِّيرٌ مَنْ أَمَرْتَهُ بِالْإِعْثَاءِ أَنْ يَدْعُوَكَ وَ مَنْ وَعَدْتَهُ بِالْإِسْتِجَابَةِ أَنْ يَرْجُوَكَ وَ لِي اللَّهُمَّ حَاجَةٌ قَدْ عَجَزَتْ عَنْهَا حِيلَتِي وَ كَلَّتْ مِنْهَا طَاقَتِي وَ ضَعُفَتْ عَنْ مَرَامِهَا قُدْرَتِي ...» که در این دعا

امام رضا(ع) تلاش دارند با بیان این مطلب که دعوت کردن مردم به دعا از جمله اوامر و دستورات الهی است و خداوند خود وعده داده است که دعای بندگان را اجابت کند و این یکی از سنن الهی است لذا بر طبق آن است که امام حاجت خود را از خداوند طلب می‌کنند.

به‌عنوان نمونه‌ای دیگر می‌توان به دعای شماره ۶۳ اشاره کرد که در آن م می‌فرمایند :

«اللَّهُمَّ كَمَا سَرَرْتَ عَلَيَّ مَا لَمْ أَعْلَمْ فَأَعْفِرْ لِي مَا تَعَلَّمْتُ وَكَمَا وَسَّعْتَ عَلَيَّ عِلْمَكَ فَلْيَسِّعْ عَفْوَكَ وَكَمَا بَدَأْتَنِي بِالْإِحْسَانِ فَأَنْصِبْ نِعَمَكَ بِالْغُفْرَانِ وَكَمَا أَكْرَمْتَنِي بِمَعْرِفَتِكَ فَاشْفَعْهُ بِمَعْفَرَتِكَ وَكَمَا عَرَفْتَنِي وَحْدَانِيَّتَكَ فَأَكْرِمْني بِطَاعَتِكَ [لما عيتك] وَكَمَا عَصَمْتَنِي مَا لَمْ أَكُنْ أَعْتَصِمُ مِنْهُ إِلَّا بِعِصْمَتِكَ فَأَعْفِرْ لِي مَا لَوْ شِئْتَ عَصَمْتَنِي مِنْهُ يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ». در این دعا نیز امام(ع) تلاش دارند تا با بیان اقداماتی که خداوند آنها را به‌عنوان وظیفه خود بیان کرده است، از خداوند طلب انجام برخی امور را بنماید.

۲-۶. تنبیهات ادعیه رضویه

اگرچه قالب بیانی تنبیه به دو شکل جملات سؤالی و خبری به کار می‌رود لکن در ادعیه رضویه، این قالب بیانی تنها به شکل طرح جملات خبری جهت تذکر و با هدف آگاهی بخشی به مردم و غفلت‌زدایی به کار رفته است. این مطلب نیز بخش دیگری از وظایف اختصاصی ائمه اطهار(ع) می‌باشد که به عنوان چراغ راهنمای سعادت و پرچم‌های هدایت در جهان هستی انجام رسالت می‌کنند.

آنچه در این مقاله از آن به قالب بیانی «تنبیه» تعبیر می‌شود، جملاتی است که توسط امام رضا(ع) جهت تذکر به مردم و هوشیار کردن آنان جهت تقرب به خداوند متعال و افزایش آگاهی مردم برای دینداری استعمال شده است که در ادامه به عنوان نمونه به چند مورد از این جملات اشاره می‌شود.

آن حضرت(ع) در دعای شماره ۸ می‌فرماید: «إِلَهِی بَدَتْ قُدْرَتُكَ وَ لَمْ تَبْدُ هَيْئَةُ لَكَ فَجَهْلُوكَ وَ قَدَرُوكَ وَ التَّقْدِيرُ عَلَيَّ غَيْرِ مَا بِهِ شَبَّهُوكَ فَأَنَا بَرِيءٌ يَا إِلَهِی مِنَ الَّذِينَ بِالتَّشْبِيهِ طَلَبُوكَ لَيْسَ كَمِثْلِكَ شَيْءٌ وَ لَنْ يُدْرِكُوكَ ظَاهِرُ مَا بِهِمْ مِنْ نِعْمَتِكَ دَلَّهِمْ عَلَيْكَ لَوْ عَرَفُوكَ وَ فِي خَلْقِكَ يَا إِلَهِی مَنُذُوحَةٌ أَنْ يَتَنَاوَلُوكَ بَلْ شَبَّهُوكَ بِخَلْقِكَ فَمِنْ ثَمَّ لَمْ

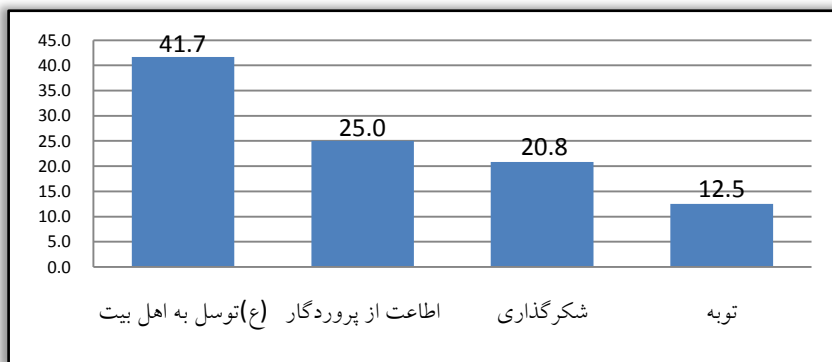
يَعْرِفُوكَ وَاتَّخَذُوا بَعْضَ آيَاتِكَ رَبًّا فَبَدَّلَكَ وَصَفُوكَ فَتَعَالَيْتَ يَا إِلَهِي وَتَقَدَّسَتْ عَمَّا بِهِ
الْمُشْتَبِهُونَ نَعْتُوكَ يَا سَامِعَ كُلِّ صَوْتٍ وَيَا سَابِقَ كُلِّ فَوْتٍ يَا مُخَيِّ الْعِظَامِ وَهِيَ رَمِيمٌ وَ
مُنْشِئَهَا بَعْدَ الْمَوْتِ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْ لِي مِنْ كُلِّ هَمٍّ فَرَجًا وَ مَخْرَجًا
وَ جَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

کاملاً مشخص است که بخش اول این دعا در راستای آگاه سازی مردم به صفات واقعی خداوند متعال و بیان دقیق معارف الهی از آن امام همام صادر شده است با این که تنها در بخش پایانی برای رفع حوائج مؤمنان دعایی ذکر شده است. این گونه موارد که در ادعیه رضویه متعدد است بیانگر این مطلب می باشد که آن حضرت (ع) تلاش دارند تا از هرگونه موقعیت و فرصتی برای تبلیغ معارف دین و انتقال آن به مردم جامعه استفاده کرده و آنان را بطور دقیق با معارف حقّه الهی آشنا سازند.

۲-۷. توصی‌ها و تحذیرهای ادعیه رضویه

بخش دیگری از مطالب مطرح شده در ادعیه رضویه، توصیه ها و تحذیرهایی می باشد که امام رضا (ع) در قالب جملات دعایی و تنبیهی، تلاش کرده اند تا این موارد را به مردم جامعه اسلامی تذکر دهند. در ذیل نموداری درج شده است که فهرستی از توصیه های مطرح در ادعیه رضویه در آن درج شده است:

نمودار ۵: سنجش فراوانی توصیه های ادعیه رضویه



مهم‌ترین توصیه‌ای که در این ادعیه بدان پرداخته شده، توصیه به توسل به اهل بیت عصمت و طهارت (ع) می‌باشد. آن حضرت در ابتدا بیان می‌کنند که توسل جستن به اهل بیت (ع) یک دستور الهی است. به عنوان مثال ایشان در دعای شماره ۱۸ می‌فرمایند:

«اللَّهُمَّ يَا رَبَّ أَنْتَ عَظَّمْتَ حَقَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَتَوَسَّلُوا بِنَا كَمَا أَمَرْتَ وَامْلُوا فَضْلَكَ وَرَحْمَتَكَ وَتَوَقَّعُوا إِحْسَانَكَ وَنِعْمَتَكَ فَاسْقِهِمْ سَقِيًّا نَافِعًا عَامًّا...»

و سپس در ادعیه دیگری بر توسل جستن به اهل بیت (ع) توصیه کرده و به عنوان مثال در دعای شماره ۲۱ این گونه دعا می‌کنند: «تَوَسَّلْتُ بِهِمْ إِلَيْكَ - مُتَقَرِّبًا إِلَيَّ رَسُولَكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثُمَّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ عَلِيِّ وَ مُحَمَّدٍ وَ جَعْفَرٍ وَ مُوسَى وَ عَلِيِّ وَ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيِّ وَ الْحَسَنِ وَ مَنْ بَعْدَهُمْ يُقِيمُ الْمَحَبَّةَ إِلَيَّ الْحُجَّةِ الْمَسْتُورَةِ مِنْ وَلَدِهِ الْمَرْجُوِّ لِلْأَمِّ هُ مِنْ بَعْدِهِ اللَّهُمَّ فَاجْعَلْهُمْ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَ مَا بَعْدَهُ حِصْنِي مِنَ الْمَكَارِهِ ... اللَّهُمَّ بَتَوَسُّلِي بِهِمْ إِلَيْكَ وَ تَقَرُّبِي بِمَحَبَّتِهِمْ وَ تَحَصُّنِي بِإِمَامَتِهِمْ افْتَحْ عَلَيَّ فِي هَذَا الْيَوْمِ أَبْوَابَ رِزْقِكَ وَ انْشُرْ عَلَيَّ رَحْمَتَكَ وَ حَبْنِي إِلَيَّ خَلْقَكَ وَ حَبْنِي بُغْضَهُمْ وَ عَدَاوَتَهُمْ إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»

همچنین می‌توان در این رابطه به دعای شماره ۲۳ اشاره کرد که بخش سوم آن کاملاً با این رویکرد از آن امام همام صادر شده است که در کتب ادعیه به صورت جداگانه تحت عنوان «دعای توسل» از آن یاد می‌شود.

در رابطه با دیگر عناوین مطرح در ادعیه مانند مناجات و حدیث نفس نیز می‌توان به دعای شماره ۲۱ اشاره کرد که در آن حضرت با حالتی مناجات گونه به حدیث نفس پرداخته و بر کوتاهی خود در بندگی و گناهان خود اشاره می‌کنند: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ إِنَّ ذُنُوبِي وَ كَثْرَتَهَا قَدْ أَخْلَقَتْ وَجْهِي عِنْدَكَ وَ حَبَبْنِي عَنْ اسْتِيْهَالِ رَحْمَتِكَ وَ بَاعَدْتَنِي عَنْ [اسْتِيجَارِ] [اسْتِجَابِ] مَغْفِرَتِكَ وَ لَوْ لَا تَعَلَّقِي بِالْإِثْمِ وَ تَمَسَّكِي بِالرَّجَاءِ لِمَا وَعَدْتَ أَمْنَالِي مِنَ الْمُسْرِفِينَ وَ أَشْبَاهِي مِنَ الْخَاطِئِينَ بِقَوْلِكَ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَيَّ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ وَ حَذَرْتُ الْفَانِطِينَ مِنْ رَحْمَتِكَ فَقُلْتُ وَ مَنْ يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ ثُمَّ نَدَبْتَنَا بِرَحْمَتِكَ إِلَيَّ دُعَايَكَ فَقُلْتُ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ

عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ». البته لازم به ذکر است که منظور آن حضرت (ع) از اعتراف به گناه، آموزش توبه به بندگان است و مسلم است که مقام شامخ ائمه اطهار(ع) از هرگونه پلیدی و رجسی دور است.

نتیجه گیری

کلمات گهربار ائمه اطهار(ع) پس از قرآن کریم، گران قدرترین میراث دین مبین اسلام و دستورالعملی برای سعادت در هر دو جهان است. این محتوای غنی و هویت بخش قابلیت آن را دارد که در حوزه‌های مختلف علوم بشری مورد استفاده قرار گرفته و به عنوان مبنایی برای مطالعات بنیادین و کاربردی در نظر گرفته شود.

در این مقاله سعی شده است بر خلاف کتب تاریخی و یا شرح حال نگاری که تنها از کلمات ائمه اطهار(ع) برای استنادات تاریخی خود استفاده می‌کنند، به تحلیل محتوای آنچه امام رضا(ع) در ادعیه خود به مردم جامعه اسلامی آموزش داده‌اند، پرداخته و از خلال آن، دیدگاه‌ها و مبانی ایشان را بیامون مسائل مهم استخراج نماید. همچنین از آن‌جا که این کلمات و عبارات، گفتارهای یک فرد عادی نبوده و از امام معصوم (ع) صادر شده است، می‌توان از تحلیل محتوای آنها به مبانی و اصولی دست یافت که راه‌گشای جامعه اسلامی جهت نیل به سعادت و کمال باشد، چرا که کلام معصوم (ع) در واقع تبیین کننده سنت رسول اکرم(ص) و تفسیر آیات قرآن کریم است.

در کتب و منابع تاریخی و روایی، متونی با عنوان ادعیه رضویه نقل شده است که نتایج حاصل از تحلیل محتوای آنها نشان داد بیش از آن‌که این متون جنبه دعایی داشته باشند، جنبه آموزشی داشته و آن امام همام تلاش داشته‌اند تا با استفاده از ابزار تبلیغاتی دعا، مفاهیم مهمی را به مردم و جامعه اسلامی آموزش دهند.

تجلیل از پیامبر اکرم(ص)، ائمه اطهار(ع)، انبیاء الهی، دین مبین اسلام و قرآن کریم از جمله قالب‌های بیانی است که بیشترین کاربرد (۲۵.۲٪) را در ادعیه رضویه داشته و بیانگر آن است که امام رضا(ع) تلاش داشته‌اند در قالب دعا، جامعه اسلامی را در زمان‌ها و شرایط گوناگون متوجه اهل بیت(ع) کرده و جایگاه والای ایشان را گوشزد کنند. این مطلب زمانی بهتر تبیین می‌شود که توجه داشته باشیم در این ادعیه به توسل

به اهل بیت(ع) نیز بسیار سفارش شده (در حدود ۴۱.۷٪) و به دفعات بر استجابت دعا در ضمن استجابت دعای ائمه اطهار(ع) نیز اشاره شده است.

پس از تجلیل، قالب بیانی توصیف دارای بیشترین فراوانی (۱۶.۸٪) در ادعیه رضوی است. در این قالب بیانی نیز بیشتر بر معرفی خداوند و اشاره به صفات و ویژگی های ذات اقدس خداوند متعال تأکید شده (۳۷٪) و تلاش شده است تا جامعه اسلامی با مفهوم دقیق «الله» به عنوان یگانه معبود و هستی بخش و اجابت کننده دعای بندگان آشنا شوند. این مطلب نیز زمانی بهتر فهمیده خواهد شد که توجه داشته باشیم در قالب بیانی «تنبيه» نیز بیشتر بر معرفی صفات خداوند و پرهیز از شرک و تشبیه خداوند به دیگر موجودات تأکید شده است.

دیگر مفاهیم آموزشی که در قالب های بیانی «قاعده» و «تنبيه» نیز ذکر شده است، همه بیانگر آن است که رویکو این ادعیه، بیشتر آموزشی بوده و اهتمام آن حضرت بر تبلیغ معارف حقّه دین مبین اسلام بوده است. به عنوان مثال در قالب بیانی قاعده، آن حضرت به برخی از قواعد و سنن الهی در ادعیه خود اشاره کرده اند که از آن جمله می توان به قاعده صلوات فرستادن بر پیامبر مکرم اسلام(ص) و ائمه اطهار (ع) جهت استجابت دعا اشاره کرد. این قواعد به دو صورت بیان شده اند: استفاده تضمینی از آیات قرآن کریم و اشاره تلویحی به سنن الهی.

منابع

۱. قرآن مجید.
۲. ابیطحی اصفهانی، سید محمد باقر (۱۳۷۸)، الصّحیفه الجامعه لادعیه علی بن موسی الرضا (ع) و ابنائه الاربعه، قم: مؤسسه امام الهادی.
۳. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق)، کشف الغمه فی معرفه الائمه، تعلیق هاشم رسولی، تبریز: مکتبه بری هاشم.
۴. استراوس، آنسلم؛ کوریین، جولیت (۱۳۸۴)، اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبنا یی، رویه ها و شیوه ها. ترجمه بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۵. باردن، لورنس (۱۳۷۵)، تحلیل محتوا، ترجمه ملیحه آشتیانی و محمد یمنی دوزی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۶. جانی پور، محمد (۱۳۹۱)، قدرت نرم و دفاع مقدس، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۷. چوبینه، مهدی (۱۳۸۰)، طرح مطالعاتی راهنمای برنامه درسی، تهران: انتشارات سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی.
۸. حرّ عاملی، محمد بن حسن بن علی (۱۳۸۷)، تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، قم: مؤسسه آل البیت، چاپ پنجم.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، تصحیح صفوان عدنان داودی، بیروت: دار العلم.
۱۰. راوندی، قطب الدین (۱۴۰۹ق)، الخرائج و الجرائح، قم: مؤسسه امام مهدی (عج).
۱۱. سید رضی، ابوالحسن محمد بن حسین (۱۳۸۶)، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، مشهد: انتشارات سنبه، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین.
۱۲. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۶۳)، عیون أخبار الرضا (ع)، قم: انتشارات جهان.
۱۳. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳ق) من لا یحضره الفقیه، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۱۴. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۷۴)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه موسوی همدانی، سید محمد باقر، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۹۰ق)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن (مجمع البیان لعلوم القرآن)، تهران: کتابفروشی اسلامیة، چاپ چهارم.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۵۸)، اعلام الوری بأعلام الهدی. قم: مؤسسه آل البیت (ع) لتحقيق التراث.
۱۷. طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۸)، تاریخنامه طبری، تحقیق محمد روشن، تهران: سروش.

۱۸. عزتی، مرتضی (۱۳۷۶)، روش تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: موسسه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس، چاپ اول.
۱۹. عای احمدی، علیرضا؛ غفاریان، وفا (۱۳۸۲)، اصول شناخت و روش تحقیق (با نگاه ی به مطالعات تاریخی) فصلنامه علمی- پژوهشی دانشگاه الزهرا(س)، تهران: سال سیزدهم، شماره ۴۶ و ۴۷، تابستان و پاییز.
۲۰. فیروزان، توفیق (۱۳۶۰)، روش تحلیل محتوا، تهران: انتشارات آگاه.
۲۱. قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۲. کرپندورف، کلوس (۱۳۷۸)، مبانی روش شناسی تحلیل محتوا، ترجمه هوشنگ نائینی، تهران: انتشارات روش.
۲۳. کلینی، محمد (۱۳۷۷ق)، الکافی، به کوشش عای اکبر غفاری، تهران: انتشارات اسلامی.
۲۴. کیوی، ریمون و کامپنهود، لوک وان (۱۳۸۱)، روش تحقیق در علوم اجتماع ی، ترجمه عبدالحسین نهک گهر، تهران: انتشارات تویله چاپ ششم.
۲۵. مجلسی، محمد باقر بن مول ی محمد تق ی (۱۴۱۲ق)، بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمة الأطهار (علیهم السلام)، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۲۶. مفید، محمد بن محمد بن النعمان (۱۴۱۳ق)، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد قم: موسسه آل البيت.
۲۷. نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت: مؤسسه آل البيت.
۲۸. هولستی، آل. آر (۱۳۷۳)، تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی، ترجمه نادر سالارزاده امیری، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
۲۹. یاورى، وحید و همکاران (۱۳۸۸)، تصویرسازی از آینده از منظر شه‌دای انقلاب اسلامی، تهران: بنیاد شهید انقلاب اسلامی با همکاری مرکز تحقیقات علوم انسانی اسلامی دانشگاه امام صادق(ع).